

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: ش. حمید

۲۰ جنوری ۲۰۱۴

شعر از "پاغر"

به لاله،

که قوغ دلش

خونین تر

از شعر من است!!!

شعرهای مقاومت

از دفتر "دستی در آتش"

(دوازده)

شبشکن

خواب دم کرده ای در گود زمان

میخندد

کنج نجوای دو لب

شوق دمیدن دارد

نفس شب که درین خفته هوا میترکد

ورم خواب

به فانوس زمان پنجه اخطار کشد

چشم هامون سیه گونه

نگاههای سترون دارد

شب پگاه را چو عدم
در رَحِمِ شام نهفتن دارد
چهرِ شبگیرِ سحر
خنجرِ کردارِ عقوبت خورده ست؟
بر سحر سنگِ فلاخن زدگان میبارد؟
شب، ورمناک شبی
نی تقلاء و تبی
تارِ شولایِ سکوت آور او
دودِ تخدیرِ سیه پیکرِ او
بر گلوگاهِ دمِ صاعقه
تنگ حلقهٔ آزار شده
بر دلِ سرخِ شفق
اهرِمِ خونکار شده
شب، چو گردابِ فرو خوردگی
از ناخنِ مرگ
مزمزه تلخ به تن میخارد
پشت زهدانِ سکوت آورِ خواب
نطفهٔ سرخِ سحر میکارد
در بنِ مویرگِ شب
شرری
هرمِ بیتابِ نمادِ دگری
پشت دیوارِ افق
تند بر نبضِ صبح میگوید
ریتم فرسوده
که در کالبد او نگران میلرزد
پای امواجِ سحر
رسمِ تسلیم و شکستن دارد
در دلِ سرخِ طبقِ سینهٔ فردا
نگهی شوقِ دمیدن دارد

تندری
رمزِ شگفتن دارد

(دلو ۱۳۶۴)